

حکمرانی خوب و حمایت از حقوق بشر

مریم سادات پیراسته

کارشناس ارشد، رشته حقوق، گرایش عمومی، دانشگاه آزاد شیراز

چکیده

از زمانی که مفهوم "حکمرانی خوب" برای اولین بار از سوی بانک جهانی در سال ۱۹۹۶ مطرح شد، به زبانهای مختلف و با معیارهای متعدد و متنوعی مورد تبیین قرار گرفته لذا ابتدائاً و در مقام تعریف و تبیین این مفهوم و اصول حاکم بر آن، مبحث اول تحت عنوان کلیات در نظر گرفته شده است که با مذاقه در برخی تعاریف در دسترس و اصول حاکم، می توان گفت که حکمرانی خوب یک مشی حکومتی و دارای اصول و معیارهایی از قبیل شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون و... است که به اداره امور عمومی پرداخته و در راستای تضمین و تحقق ارزش های حقوق بشری گام بر می دارد. از آنجایی که پیوندی انکار نشدنی فی ما بین حکمرانی خوب و حقوق بشر وجود دارد، ابتدا به نحوه ارتباط این دو مفهوم در گفتار اول و سپس در گفتار بعد، به راه های حمایت و تحقق حقوق بشر از طریق حکمرانی خوب اشاره شده و با توجه به موارد عملی که از سوی سازمان ملل و بدنبال برگزاری سمیناری در همین راستا منتشر شده به تجربه های دو کشور نیز در استراتژی های مذکور پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: حکمرانی، حکمرانی خوب، اصول حکمرانی خوب، حقوق بشر.

مبحث اول: مقدمه

گفتار اول: تبیین مفهوم

تعریف یک واژه همواره در تبیین و درک مفهوم آن نقش بسیاری دارد. بر اساس علم منطق و اصول، با تعریف دال علم به مدلول حاصل می شود فلذا در تعریف حکمرانی خوب، ابتدا می بایست حکمرانی مورد تعریف قرار گیرد.

بند اول: تعریف حکمرانی

واژه حکمرانی در فرهنگ لغت دهخدا در معنی عمل و شغل حکمران، فرماندهی و حکومت و در فرهنگ معین نیز در معنایی نزدیک به معنای قبلی مترادف با حکومت و فرمانروایی آمده است. در زبان و ادبیات انگلیسی واژه *governance* و یا *government* در ترادف با حکمرانی قرار گرفته که در فرهنگ لغت آکسفورد به عنوان عملکرد و یا مشی حکومتی یک دولت یا سازمان معنا شده است و گفته می شود که از نظر واژه شناسی به واژه *Kubernan* در زبان و ادبیات یونانی برمی گردد که در معنای هدایت و یا اداره کردن امور بکار رفته است و افلاطون نیز در راستای بیان چگونگی طرح نظام حکومتی و یا همان *system of rule* از این واژه یونانی بهره برده است.^۱

کمیسیون حکمرانی جهانی در سال ۱۹۹۵ میلادی در گزارشی حکمرانی را چنین تعریف کرده است: "حکمرانی مجموعه ای از روش های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می کند. حکمرانی فرآیندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز می نماید و اقدام همکاری جویانه اتخاذ می گردد. حکمرانی شامل نهادهای رسمی و نظامهایی است که برای تضمین رعایت قانون قدرت پیدا کرده اند. همچنین قرارهای غیر رسمی که مردم و نهادها بر سر آن توافق نموده اند یا درک می کنند که به نفع آنهاست."^۲

به نظر می رسد که از بین تعاریف فوق الذکر، تعریف اخیر یعنی تعریف کمیسیون حکمرانی جهانی از دقت نظر بیشتری برخوردار باشد.

بدین ترتیب با مذاقه در تعاریف موجود می توان گفت که حکمرانی عبارت است از فرآیند های اتخاذ و اجرای تصمیمات که نقش آفرینان در این فرآیند با توجه به حوزه حکمرانی متعدد و متنوع می شوند به نحوی که در یک منطقه روستایی، می توان مالکان اراضی، کشاورزان، انجمنهای کشاورزان را بازیگران این عرصه به شمار آورد. در سطح ملی اما دایره نقش آفرینان گسترده تر می شوند و همانطور که از تعاریف بر می آید، برخلاف "حکومت"، دولت ایفا کننده انحصاری این نقش نبوده بلکه با درگیر کردن اعضای دیگر یک جامعه سیاسی از جمله احزاب سیاسی، نیروهای نظامی، شرکت های تعاونی و خصوصی، سازمانهای غیر دولتی و... امور عمومی جامعه تدبیر می شود؛ بنابراین می توان بطور کلی عناصر حکمرانی را در سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تجمیع نمود که با هماهنگی و همکاری و تعامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی با یکدیگر، در راستای رسیدن به توسعه پایدار گام برمی دارند.^۳

بند دوم: پیشینه و تعریف حکمرانی خوب

بانک جهانی بعنوان یک نهاد بین المللی که دارای توان مالی و قدرت کارشناسی بالایی است، از همان ابتدای تاسیسش در سال ۱۹۴۵ بر سیاست های اقتصادی کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه تاثیرات قابل توجهی گذاشته است فلذا بعلت اهمیت این نهاد نمی توان از تجربه، تحلیل و پیشنهادات این نهاد چشم پوشاند. در رابطه با سیاست ها، خط مشی و عملکرد های بانک جهانی می توان دوران حیاتش را تا به امروز به دو دوره مهم تقسیم کرد. دوره اول از ابتدای تاسیس نهاد تا دهه ۷۰ را در برمی گیرد. در این بازه زمانی بانک جهانی وظیفه خود را به اعطای وام و تامین مالی پروژه های عمرانی مثل راه، مدرسه و ...

^۱ هداوند، مهدی، حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۴، ص ۵۲.

^۲ همان، ص ۵.

^۳ کمالی، یحیی، حکمرانی خوب چیست، تدبیر، شماره ۲۰۶، تیر ۱۳۸۸، ص ۲۱.

برای کشورهای آسیب دیده از جنگ جهانی دوم و کشورهای تازه استقلال یافته محدود می کرد. بخش دوم این راهبرد پیشنهادی، افزایش ظرفیت های دولت معرفی و در همین راستا سیاست هایی نیز پیشنهاد شد. در واقع این نهاد در این گزارش سیاست های بهبود حکمرانی را محور اصلی سیاست گذاری های اقتصادی قرار داد و عمدتاً بر مسائلی همچون اصلاح نظام قضایی، تمرکززدایی، شفاف سازی نظام بودجه ای، شایسته سالاری، مبارزه با فساد تاکید کرد.

پس از ارائه این گزارش مطالعات و بررسی های وسیعی از سوی کارشناسان بانک جهانی در خصوص مفهوم و شاخص های حکمرانی خوب صورت گرفت و بوسیله شاخص سازی اصول حکمرانی خوب و بررسی وضعیت این شاخص ها در کشورهای مختلف به این نتیجه نائل آمدند که شاخص های حکمرانی خوب نه تنها بر رشد اقتصادی کشورها تاثیر معنا دار و قابل توجهی دارند بلکه بر سایر متغیر های اقتصادی نظیر فقر، نابرابری، سرمایه گذاری و ... هم بسیار تاثیر گذار می باشند.

به موازات بانک جهانی، مفهوم و اهمیت حکمرانی خوب در سایر اسناد و مجامع بین المللی نیز مطرح و بر ضرورت وجودش تاکید فراوان شده است. در حالیکه بانک جهانی بیشتر با نگرشی اقتصادی بدنبال تبیین مفهوم حکمرانی بوده است، بتدریج و با گسترش رویکرد حقوق بشری در اعلامیه ها و اسناد بین المللی، حکمرانی خوب نیز در همین مسیر و بویژه در سایه حمایت های سازمان ملل متحد مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. اعلامیه اجلاس جهانی برای توسعه جهانی سال ۱۹۹۵ به اهمیت حکمرانی اشاره می کند و در کنار دموکراسی و مدیریت شفاف و پاسخگو در همه بخش های جامعه، حکمرانی را نیز برای دستیابی به توسعه پایدار و مردمی، حیاتی و واقعیتی گریزناپذیر بیان می کند.^۱

در اجلاس هزاره سازمان ملل که در سپتامبر ۲۰۰۰ در نیویورک تشکیل شد اعلامیه ای به تصویب رسید که به اعلامیه هزاره مشهور است. در این اعلامیه اهداف هشت گانه ای در جهت رسیدن به توسعه و کاهش فقر پیش بینی شده است و حکمرانی خوب بعنوان شرط اساسی تحقق این اهداف شمرده شده است. در بخش پنجم این اعلامیه تحت عنوان "حقوق بشر، دموکراسی، حکمرانی خوب" اهدافی برای کشورهای برشمرده شده از جمله احترام به حقوق بشر، تلاش در جهت حمایت از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی همه شهروندان، تقویت ظرفیت کشورها و ایجاد امکان اجرای اصول دموکراسی، تضمین آزادی رسانه ها، همکاری و مشارکت معنادارتر شهروندان در فرآیندهای سیاسی و...و اگرچه که بطور صریح از حکمرانی خوب ذکری به میان نیامده اما معیارهایی را عنوان کرده که اجزاء و عناصر تشکیل دهنده آن مفهوم به شمار می روند.^۲

از حکمرانی خوب تعاریف متعددی ارائه شده است:

۱- بانک جهانی در گزارشی در سال ۱۹۸۹ برای اولین بار حکمرانی خوب را ارائه خدمات عمومی، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرده است.

۲- بر اساس تعریفی که اتحادیه اروپا ارائه داده است، حکمرانی خوب مدیریت شفاف و پاسخگوی منابع در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است.^۳

با توجه به مجموع تعاریف ارائه شده می توان گفت که حکمرانی خوب، یک روش حکمرانی است و دارای مجموعه ای از ارزش ها، هنجارها و اصولی که بوسیله اعمال اینها، اهداف حکومتی یعنی همان اداره منابع و امور عمومی جامعه، به نحو احسن محقق می گردد.

حال بایستی دید که این اصول و هنجارهای حکمرانی خوب چه مواردی را در بر می گیرد.

^۱ هداوند، مهدی، همان، ص ۷۴.

^۲ زارعی، محمد حسین، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۶۰.

^۳ هداوند، مهدی، همان، ص ۷۹.

گفتار دوم: اصول حکمرانی خوب

تا بحال برای حکمرانی خوب، ویژگی‌ها و شاخصه‌های بسیاری ارائه شده است؛ اما آنچه که در این نوشتار مستند قرار می‌گیرد قدر متیقنی است از آن اصولی که از سوی نهاد‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و کمیسیون اقتصادی اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه مطرح شده است.

بانک جهانی بدنبال گزارش سالانه توسعه‌اش در سال ۱۹۹۷ حکمرانی خوب را با ۶ ویژگی تعریف می‌کند از جمله: اصلاح نظام قضایی، تمرکز زدایی، مبارزه با فساد، شفاف سازی نظام بودجه‌ای، شایسته‌سالاری و پیوستن به نظامات بین‌المللی. کمیسیون اقتصادی اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه ۸ شاخصه را اصلی‌ترین شاخصه‌های حکمرانی خوب می‌داند: مشارکت، وفاق محوری و اجماع، پاسخگویی، شفافیت، انعطاف پذیری، کارآمدی، انصاف و برابری و در آخر هم حاکمیت قانون. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ۶ اصل را مطرح می‌کند: شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، انعطاف پذیری و حاکمیت قانون.

در کنار این اصول، معیارهای دیگری از جمله دولت محوری، توسعه اجتماعی، مدیریت اقتصادی و ... ذکر می‌شود و همانطور که گفته شد به توضیح مختصر قدر متیقن این اصول اکتفا می‌گردد:

بند اول: مشارکت

"مشارکت^۱ سنگ بنای حکمرانی خوب است"^۲. مردمان هر کشوری تعیین سرنوشت جامعه‌اش را حق ملت می‌دانند و لذا نه تنها حضور و مشارکت سیاسی مردان و زنان در زمان انتخابات لازم و ضروری است بلکه این حضور و مشارکت بایستی سازمان یافته، هدفمند و مستمر باشد و این بدان معناست که برای تحقق حکمرانی خوب بایستی آزادی بیان، آزادی حزب و تشکیل اجتماعات و نهادهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... تامین و مورد حمایت واقع و جامعه مدنی سازمان یافته شود تا مشارکت و حضور واقعی مردم نیز در حکمرانی محقق گردد.

بند دوم: پاسخگویی

یکی دیگر از شروط تحقق حکمرانی خوب، پاسخگویی^۳ است، بدین معنا که تمام قوای حکومتی، نهادهای مدنی و حتی بخش خصوصی بایستی در خصوص تصمیمات اتخاذی و اقداماتشان در برابر کسانی که مخاطب آن تصمیمات بوده‌اند پاسخگو باشند. بنا بر اینکه تصمیم اتخاذی درون یا بیرون سازمانی بوده، مخاطب هایش مشخص می‌شود و لذا مقامات بایستی نسبت به واکنش‌های احتمالی و خواسته‌های متعاقب آنها پاسخگو باشند. لازمه تحقق پاسخگویی، وجود شفافیت و حاکمیت قانون است.

بند سوم: شفافیت

شفافیت^۴ بدین مفهوم است که سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها، تصمیم‌گیری، اجرا و بازخوردها بایستی در یک فضای شفاف و روشن در جامعه صورت گرفته و اطلاعات راجع به آنها در یک گردش آزاد و از طریق رسانه‌ها به آگاهی عموم رسانیده شود. علاوه بر این، اطلاعات بایستی برای کسانی که مخاطب تصمیمات و اقدامات حکومت هستند در دسترس و به روشی قانونمند قابل وصول باشد. لذا ذیل این اصل و برای تحقق آن لازم است که آزادی دسترسی به اطلاعات (یا همان آزادی اطلاعات) و آزادی رسانه‌ها به اندازه کافی تامین و مورد حمایت حکومت واقع شود.

بند چهارم: حاکمیت قانون

حاکمیت قانون^۵ بدین معناست که در یک جامعه، قانون در راس اقدامات قوای سه‌گانه قرار بگیرد؛ یعنی قانونگذاری، اجرا و قضاوت بایستی با عطف به قوانین ارگانیک و سایر قوانین فرادستی و در چهارچوب آنها صورت بگیرد.

^۱ . Participation

^۲ . هداوند، مهدی، همان، ص ۸۰.

^۳ . Accountability

^۴ . Transparency

^۵ . Rule of law

می توان چنین گفت که در حکمرانی خوب با حاکمیت قانون، حقوق بشر در سایه سار قانون حمایت و تضمین می شود. لذا لازم است که در قانونگذاری ها به افشار مختلف جامعه، نیازمندی ها و حقوق شهروندان توجه کافی مبذول شود و در اجرای قوانین و تصمیمات و همچنین در دادرسی ها، بی طرفی و عدالت همگانی ملاک عمل قرار بگیرد. در همین راستا وجود ساختارهای حقوقی عادلانه از جمله وجود عوامل حکومتی فسادناپذیر و قوه قضائیه مستقل بسیار ضروری می نماید. در ادامه و مبحث دوم روابط فی ما بین حکمرانی خوب و حقوق بشر تشریح خواهد شد.

مبحث دوم: حکمرانی خوب و حقوق بشر

برخلاف مفهوم حکمرانی خوب که مفهومی نو بنیاد است، حقوق بشر دارای قدمتی به سابقه موجودیت یافتن انسان دارد اگرچه که قاعده مند شدنش بتدریج و در طی سالهای بسیاری محقق شده است. ابتدا به مناسبات این دو مفهوم پرداخته می شود.

گفتار اول: چگونگی پیوند حکمرانی خوب با حقوق بشر

اگرچه که انسان به نفس انسان بودنش دارای کرامت است و از آن زمان که یک جامعه تک نفره به یک جامعه دو نفره مبدل می شود، حقوق و در معنای جزئی تر، حقوق بشر معنا می یابد اما باید گفت که در معنای اخص کلمه، حقوق بشر مجموعه ای از ارزش ها، هنجارها، بایدها و نبایدهایی است که نخست بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی و در مجامع بین المللی و کنوانسیون های متعاقب، تدوین و عرضه شده است. این اصول که برآیندی از ارزش های مطرح شده در ادیان، مذاهب و اندیشه های فلسفی مختلف سرتاسر جهان است، حداقل استانداردها را در جهت تضمین شأن و کرامت انسان مقرر می دارند.

لذا انتظار می رود که حکومت ها این اصول را در سیاست ها و خط مشی خود بکار گیرند. در حقیقت حکومت ها هرچه بیشتر در صدد تحقق حقوق بشر برآیند، بر میزان مطلوبیت، شایستگی و خوب بودن حکومت شان می افزایند. فلذا، حقوق بشر و میزان تحقق آن بعنوان یکی از معیارهای ماهوی حکمرانی خوب به شمار می رود. از طرف دیگر حقوق بشر بدون احترام و حمایت های حکمرانی خوب ضمانت اجرایی ندارد؛ بنابراین حکمرانی خوب، حمایت کننده و تضمین کننده حقوق بشر در یک جامعه خواهد بود.

در حقیقت حکمرانی خوب و حقوق بشر بصورت متقابل و دوسویه یکدیگر را تقویت می کنند. اصول حقوق بشر مجموعه ای از ارزش ها و هنجارها را مقرر می دارد تا از یک طرف نحوه عملکرد حکومت و سایر نقش آفرینان اجتماعی و سیاسی را رهنمون سازد و از طرف دیگر با مقرر کردن مجموعه ای از استاندارد های اجرایی علیه این نقش آفرینان، آنها را ناچار به پاسخگویی می کند. بهرحال حقوق بشر نمی توانند بدون حکمرانی خوب در یک وضعیت ثابت و پایدار مورد احترام و حمایت واقع شود. اجرای حقوق بشر وابسته به یک محیط مساعد و توانمند است که این محیط مساعد محیطی است دربرگیرنده ی نهادها و چهارچوب های قانونی مناسب و همین طور فرآیندهای سیاسی، اداری و مدیریتی که نسبت به پاسخگویی به حقوق و نیازهای ملت دارای مسئولیت داشته باشد.

می توان پیوند های حکمرانی خوب و حقوق بشر را در چهار حوزه بطور خاص عنوان کرد: نهاد های دموکراتیک-ارائه خدمات دولتی-حاکمیت قانون و اقدامات مبارزه با فساد.

در واقع با بیان ارتباط این دو در چهار حوزه گفته شده می توان نشان داد که چگونه تنوعی از نقش آفرینان در یک جامعه از زنان و گروه های اقلیت گرفته تا رسانه ها، نهادهای مدنی و نهاد های دولتی، اصلاحاتی را در این چهار حوزه انجام داده اند. هنگامی که اصلاحات حکمرانی خوب نهادهای دموکراتیک، با ارزش های حقوق بشر همراه و بوسیله آنها هدایت می شود، راهپایی را برای مشارکت مردم در سیاست گذاری ها چه از طریق نهادهای رسمی و یا رایزنی های غیر رسمی ایجاد می کند و همچنین مکانیزم هایی را برای به منظور دربرگرفتن گروههای اجتماعی متعدد در فرآیندهای تصمیم گذاری و بویژه تصمیم

گیری های محلی تأسیس می نماید و در نهایت ممکن است نهادهای مدنی و انجمن های محلی را به ابراز نظریاتشان نسبت به مسائل و اموری که برایشان دارای اهمیت است تشویق کند.

و بالاخره حوزه آخر یعنی حوزه انجام اقدامات ضد فساد و انحراف که اگرچه تا بحال رابطه بین فساد، اقدامات علیه فساد و انحراف و حقوق بشر چندان آشکار و بدیهی نشده است اما این حقیقت وجود دارد که جنبش و نهضت مبارزه با فساد به حقوق بشر نگاه دارد بدین معنا که با عطف توجهاتش به اصول و ارزش های حقوق بشری به دنبال آن است تا با استعانت از آنها تلاش ها و اقداماتش را پشتیبانی و تقویت کند. در مبارزه با فساد، انحراف، ارتشاء و... تلاش های حکمرانی خوب به اصولی همچون پاسخگویی، شفافیت و مشارکت در شکل دهی به مبارزات ضد انحرافی وابسته است. لذا می توان گفت که ممکن است فرآیند های ضد فساد حکمرانی خوب، تأسیس نهاد هایی از قبیل کمیسیون های مبارزه با فساد، ایجاد مکانیزم هایی جهت انتشار اطلاعات، نظارت بر چگونگی مصرف دولت از محل وجوه عمومی و نظارت بر نحوه ی اجرای سیاست ها را شامل بشود.

گفتار دوم: راههای حمایتی حقوق بشر در حکمرانی خوب

همانطور که در مبحث پیشین مورد اشاره و بررسی قرار داده شد، می توان حداقل در چهار حوزه فائل به پیوند میان حکمرانی خوب و حقوق بشر شد. در این مبحث با توجه به وسعت حوزه های مذکور تنها به دو مورد اشاره خواهد شد که در هر یک اختصاری از مثالی تجربی و عملی از کشورها نیز که با اقدامات حکمرانی خوب، موجب بهبود حقوق بشر شده اند خواهد آمد.

بند اول: تقویت نهادهای دموکراتیک

حکمرانی خوب به طرق مختلف موجب توسعه و ترویج حقوق بشر می شود. حکمرانی خوب به مشارکت هرچه بیشتر مردم در دولت، دخالت در تصمیم سازی و سیاست گذاری و پاسخگو بودن مقامات رسمی منتخب و یا منصوب تشویق می کند و جامعه مدنی را قادر می سازد تا بصورتی فعال در سیاست گذاری ها درگیر و در نهایت به نمایندگی گسترده و هرچه بیشتر علایق و سلیق اجتماع در تصمیم سازی ها منجر شود.

نهادینه سازی مشارکت عمومی در توسعه محلی - آفریقای جنوبی

مثالی که می توان برای این راهکار ذکر کرد، رفرم حکومتی کشور آفریقای جنوبی است. اگرچه که مقررات این کشور و از جمله مهمترین آن یعنی قانون اساسی به مشارکت جامعه مدنی در حکومت محلی اشاره کرده بود اما در سرتاسر دهه ۱۹۹۰ مشغولیت جامعه مدنی در حکومت محلی بسیار ناکارآمد و مشارکت های عمومی بصورت پراکنده و بعضاً متناقض بود. در اواخر دهه ۹۰ بسیاری از نهادهای جامعه مدنی نسبت به چگونگی انجام وظیفه حکومت محلی و تاثیراتی که خود آنها می توانستند بر حکومت محلی در جهت منافع بیشتر انجمن های خود بگذارند آگاه نبودند و مقامات محلی نیز ظرفیت های محدودی را برای داشتن یک حکمرانی مشارکتی عرضه کردند. با توجه به نقشی که این مقامات در ارائه خدمات داشتند، حرکت به سمت این مفهوم یعنی یک حکومت محلی در حال رشد و پیشرفت که با همکاری و همیاری نهادهای محلی برای مشکلات و نیازهایشان راه حل یابی می کند، دشوار می نمود. واقعیت آن بود که حق مشارکت در امور عمومی چه بصورت مستقیم و چه بصورت نمایندگان منتخب، رشدی نیافته بود.

پاسخ به این مشکل، قانون نظام شهری مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی است که برای از میان برداشتن موانع ادغام مشارکت جامعه مدنی و انجمن ها در امور شهری معرفی می شود. این قانون نقش اصلی حکومت محلی مشارکتی را در طراحی و اجرای سیاست های توسعه ای کارآمد و همچنین عدم کفایت راههای موقت مشارکت عمومی را مورد تصدیق قرار داده و چنین پیشنهاد می دهد که مشارکت عمومی بایستی بخش لاینفک سیاست گذاری ها بوده و به منظور حمایت هرچه بیشتر مشارکت، ساختارهای اداری ویژه ای به این مهم اختصاص داده شود. این قانون شهرداری ها را به ایجاد ساختار و دستورالعمل

های رسمی جهت مشارکت عمومی در امور محلی و همچنین به طراحی و آغاز به کار کردن برنامه های توسعه در مشورت با نهادهای و انجمن های محلی ملزم می نماید.

بند دوم: بهبود بخشیدن به ارائه خدمات

دولت ها موظف به ارائه خدمات متعددی از جمله آموزش، بهداشت و خدمات رفاهی اجتماعی به مردمان خود هستند. قواعد و مقررات راجع به ارائه این خدمات برای حمایت از حقوق بشر از جمله حق مسکن، حق بهداشت، حق آموزش و حق تغذیه ضروری است. اصول حقوق بشر متضمن این اجبار است که خدمات عمومی بایستی در دسترس، قابل دستیابی و به لحاظ فرهنگی قابل قبول باشد تا حقوق اقشار فقیر و دچار بحران شده تأمین و تضمین شود. حکمرانی خوب با نزدیک کردن نقش افراد بعنوان بازیگر و نه مصرف کننده صرف توسعه اجتماعی اقتصادی، در رسیدن به این هدف حقوق بشر کمک می کند. مواردی که در این بخش ذکر می شوند، استراتژی و مکانیزم هایی را مورد اشاره قرار می دهد که پاسخگویی، مشارکت و دخالت در سیاست گذاری ها را به منظور منجر شدن به سیاست هایی که نیازهای جامعه را منعکس کند و نسبت به فرهنگ های قومی و محلی حساس و در نهایت قابل پذیرش در جوامع دارای تعدد فرهنگی باشد، تقویت می کند. استراتژی هایی که در برخی کشورها در جهت تقویت حقوق بشر بکار گرفته شده اند عبارتند از:

۱- انطباق خدمات آموزشی و بهداشتی با نیازها و آداب و رسوم فرهنگی گروه های اقلیت. (استراتژی کشورهای رومانی و اوگاندا)

۲- تقویت پاسخگویی در زمینه مالی عمومی از طریق شفافیت و دسترسی عموم به اطلاعات. (استراتژی کشور اکوادور)

۳- برقرار سازی حقوق اجتماعی سازگار با نیازهای محلی. (استراتژی کشور فرانسه)

۴- تضمین شفافیت، پاسخگویی و دخالت اجتماع در تنظیم و اجرای سیاست های عمومی. (استراتژی کشور اکوادور)

۵- ایجاد شرکت هایی با شعب متعدد در جهت پیشبرد تغییرات اجتماعی. (استراتژی کشور اکوادور)

۶- افزایش دادن آگاهی های عمومی و نشر اطلاعات به مردم در خصوص سیاست های عمومی و اصول حقوق بشر. (استراتژی کشورهای اکوادور و اوگاندا)

با این استراتژی های اعمال شده در هر یک از کشورهای مذکور، از برخی از اصول حقوق بشر از جمله حق آموزش، حق امنیت، حق حمایت برابر و بدون تبعیض از افراد در برابر قانون، حق تأمین اجتماعی، حق برخورداری از حداقل استانداردهای زندگی از جمله حق خوراک و پوشاک و مسکن حمایت و در راستای تحقق آنها کمک بسیاری شده است. ذیلا بطور اختصار به یکی از این موارد عملی شده اشاره می شود.

برخورداری از حقوق اجتماعی در جهت پیشبرد مشارکت اجتماعی-فرانسه

در طول دهه ۱۹۸۰، فرانسه با افزایش نرخ بیکاری مواجه می شود. تعداد جویندگان کار از ۳۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۷۰ به ۳ میلیون نفر در سال ۱۹۹۲ می رسد. این موضوع نه تنها افراد فاقد شغل را درگیر می نمود بلکه بسیاری از دارندگان شغل را نیز بعلت نداشتن امنیت شغلی تهدید می کرد چرا که در صورت از دست دادن شغلشان آنها را به سمت فقر شدید و حاشیه نشینی سوق می داد. وضعیت موجود توسط نظام رفاه اجتماعی وخیم تر می شد چرا که به گونه ای طراحی نشده بود تا به افرادی که برای مدت طولانی بیکار می شدند، کمکی اعطا نماید. لذا سیستم موجود در حمایت از حقوق تأمین اجتماعی گروه های آسیب پذیر بویژه جوانان، زنان و بیکاران بلند مدت موفق عمل نکرده بود.

در طول دهه ۸۰ بحث های زیادی در خصوص نیاز افراد به یک درآمد حداقلی وجود دارد و انجمن های داوطلبانه به دولت فشار می آوردند تا حقوق اجتماعی افراد را تأمین نماید و در همین راستا *Revenu minimum d'insertion (RMI)* پیشنهاد و از سوی دولت در سال ۱۹۸۸ با دو فرض قبلی تأسیس می شود؛ توجه به مسئله حاشیه نشینی و محرومیت های اجتماعی فقرا که ناشی از عملکرد نامناسب سه نهاد اجتماعی استخدام، خانواده و تأمین اجتماعی بود. فلذا RMI حق

برخورداری از حداقل حقوق شامل حق بهداشت و مسکن را با حق ورود به جامعه درهم می آمیزد و همچنین حق بیمه درمان را نیز مقرر می دارد.

از سال ۱۹۸۸ RMI به میلیون ها نفر که در معرض فقر شدید و محرومیت های وخیم اجتماعی بودند کمک کرده و دستیابی به حقوق اجتماعی و اقتصادی را شامل دسترسی به خدمات بهداشتی و مسکن مناسب را بهبود بخشیده است و در عرض همان دو سال نخست، بیش از ۲ میلیون نفر تحت پوشش خدماتش قرار گرفته اند.

نتیجه گیری

در مقام جمع بندی تمامی تعاریف ارائه شده در این نوشتار از حکمرانی و حکمرانی خوب می توان چنین گفت که حکمرانی خوب شیوه ای از اعمال قدرت در یک جامعه است که اگرچه مفهومی تقریبا نوزایش است اما در واقع بیانگر روایتی جدید از مفاهیمی چون دموکراسی، مشارکت مردم، حقوق بشر و ازین جمله مفاهیم است که نخست بار از سوی بانک جهانی و در جهت دستیابی کشورهای کمتر توسعه یافته، به اقتصادی پیشرفته در سال ۱۹۹۶ به جهان عرضه شد اما بتدریج رنگ و بوی حقوق بشری اش بیشتر نمایان گشت. با تدقیق در اصول ارائه شده از سوی نهادهای بین المللی مختلف برای حکمرانی خوب، به خوبی می توان دریافت که از یک طرف، حقوق بشر، معیاری ماهوی برای حکمرانی خوب و نیز مقیاسی است برای سنجش میزان مطلوبیت یک حکمرانی و از طرف دیگر یکی از کارویژه های حکمرانی خوب نیز حرکت به سمت تحقق اصول و ارزش های حقوق بشری و حمایت و تشویق هرچه بیشتر دولت ها در همین راستاست.

در این نوشتار به حداقل ۴ حوزه پیوندی حقوق بشر یعنی: حوزه عملکردی نهاد های دموکراتیک-ارائه خدمات دولتی-حاکمیت قانون و اقدامات مبارزه با فساد اشاره شد که با توضیحات ارائه شده و همچنین موارد تجربه شده در کشورها در دو حوزه یعنی نهادهای دموکراتیک و ارائه خدمات دولتی ضمن آنکه این حقیقت بیش از پیش آشکار می شود که عملکرد و استراتژی های حکومت تا چه میزان می تواند ضامن تحقق حقوق بشر در یک جامعه باشد، راهکارهایی را هم در همین راستا ارائه می نماید.

فهرست منابع

۱. الوانی، سید مهدی، علیزاده ثانی، محسن، تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۶
۲. زارعی، محمدحسین، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۳
۳. کمالی، یحیی، حکمرانی خوب چیست، تدبیر، شماره ۲۰۶، تیر ۱۳۸۸
۴. هداوند، مهدی، حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۴
5. Addink, Henk, human rights & good governance, Utrecht, 2010
6. Nieble, Dirk, good governance in practice, BMZ information Brochure, 4, 2012
7. Szerletics, Antal, The role role of good governance practices in the protection of fundamental rights, Tamop sepecial, 2011
8. Good Governance For The Protection Of Human Rights, UN-OHCHR publication, 2007
9. What Is Good Governance, UNESCAP document

Good Governance and Protection of Human Rights

Maryam Sadat Pirasteh

Public Law, Master of Science, Shiraz Azad University

Abstract

Since the concept of "good governance" was first introduced by the World Bank in 1996, it has been explained in a variety of languages, with a variety of criteria, so first and foremost, in defining and explaining the concept and the principles governing it, the topic The first is under the heading of generalities, which, by examining some of the available definitions and principles of the ruling, can be said that good governance is a government practice with principles and criteria such as transparency, accountability, rule of law, etc., which governs Public affairs and is working towards guaranteeing and realizing human rights values. Since there is an undeniable link between good governance and human rights, first, how these two concepts are related in the first and then in the later speech, the ways of supporting and realizing human rights through good governance are referred to, and given the cases The action taken by the United Nations and following the launch of a seminar in this regard has also been devoted to the experiences of the two countries in the strategies mentioned above.

Keywords: Governance, good governance, principles of good governance, human rights
